بازخوانی شخصیت جعفربن‌ابی‌طالب علیه‌السلام بر اساس مرثیه حسان‌بن‌ثابت

زهرا مهرجوئی[1]
راضیه کاظمی‌زاده[2]

چکیده

دین اسلام در سرزمینی شعرپرور و شاعرخیز ظهور کرد؛ چراکه قوم عرب در سخن و سخنوری چیره‌دست و در سخن‌شناسی توانا بود و به شعر و شاعری قدر فراوان می‌نهاد. شعر، سند و مدرک فضایل، معایب، انساب و ایام و تاریخ اعراب به شمار می‌رفت و تمام معرفت و زندگی آنان محسوب می‌شد. یکی از ابزار عرب‌ها برای بیان احساسات خود در غم از دست دادن بزرگان، مرثیه‌هایی است که در سوگ آنان می‌سرودند. در این میان، یکی از مرثیه‌ها، در غم «جعفربن‌ابی‌طالب علیه‌السلام» از «حسّان‌بن‌ثابت انصاری» است. حسان ازجمله شاعرانی بود که اشعار فراوانی در مدح پیامبر صلی‌الله‌علیه‌وآله سرود و مرثیه‌هایی در سوگ شخصیت‌های بزرگ عرب برجای نهاد. نوشتار پیش رو در بررسی مرثیه حسان درباره جعفر باتکیه‌بر منابع لغوی و تاریخی به این نتیجه دست یافت که این گونه اشعار علاوه بر تبیین میزان حزن و اندوه در مرگ شخص، به معرفی وی می‌پردازد که بیان‌کننده جایگاه ویژه افراد است و سبب ماندگاری آنها می‌شود.

واژگان کلیدی: شعر، اعراب، حسان‌بن‌ثابت، مرثیه، جعفربن‌ابی‌طالب علیه‌السلام، جنگ موته.

---

۱. دانشجوی دکتری تاریخ اسلام، گرایش تشیع اثناعشری، دانشگاه ادیان و مذاهب و مدرس جامعة الزهراء علیهاالسلام، قم، ایران، (نویسنده‌مسئول)؛ zohor_maher@yahoo.com .

۲. دانش‌پژوه سطح سه تاریخ و سیره اهل‌بیت علیهم‌السلام جامعة الزهراء علیهاالسلام، قم، ایران؛ raziehkazemizadeh@gmail.com.

مقدمه

عرب پیش از اسلام، بیشتر در عرصه شعر تفوق یافت و بارزترین جنبه نبوغ وی، در آنجا زمینه شایسته‌ای برای تجلی به دست آورد. دلبستگی بدوی به شعر، تنها نمودار فرهنگ او به شمار می‌آید. موضوعات شعر در میان اعراب، مولود زندگی و احوال طبیعی و اجتماعی آنها بود. یکی از موضوعات مطرح‌شده در زمینه شعر، مرثیه‌هاست که شاعر در آن به توصیف محاسن و خوبی‌های متوفی پرداخته است. همچنین مرثیه‌ها به دلیل دربرداشتن اطلاعات ارزشمند تاریخی می‌توانند هدایتگر و راهنمایی‌کننده باشند. در میان اشعار آن دوران، مرثیه برجای‌مانده از حسان‌بن‌ثابت انصاری در سوگ جعفربن‌ابی‌طالب علیه‌السلام موجود است که در برخی کتاب‌ها مانند شرح نهج البلاغه، اعیان الشیعه و دیوان حسان‌بن‌ثابت از آن یاد شده است.

طبق جستجوی انجام‌شده، در بررسی پیشینه، کتاب یا مقاله‌ای که مستقلاً به بررسی مرثیه جعفر پرداخته باشد، یافت نشد. تنها می‌توان از مقاله «آشنایی با جعفربن‌ابی‌طالب علیه‌السلام» نوشته سیدرضی سیدنژاد یاد کرد که در آن، تنها به بیان این مرثیه و معنی آن اکتفا شده است.

نگارنده در این نوشتار با روش توصیفی ـ تحلیلی و از طریق منابع کتابخانه‌ای، به دنبال معرفی جایگاه و شخصیت جعفربن‌ابی‌طالب علیه‌السلام در قالب این مرثیه است. براین‌اساس، در پژوهش حاضر، پس از بیان جایگاه شعر در میان اعراب، اصل و نسب جعفربن‌ابی‌طالب علیه‌السلام و حسان‌بن‌ثابت بیان می‌شود. همچنین مرثیه برجای‌مانده از حسان، از جهت ادبی و تاریخی مورد بررسی قرار می‌گیرد تا با یافتن مصادیق تاریخی، محتوای اشعار به‌کاررفته، اثبات یا در صورت عدم تطابق، ردّ شوند؛ چراکه در نگاه اولیه، ممکن است این اشعار صرفاً نوعی تمجید و مدح تلقی شوند، اما هنگامی که این عبارات با مصادیق تاریخی تطبیق گردند، اهمیتشان دوچندان خواهد بود.

۱. جایگاه شعر در بین عرب

شعر در نزد اعراب، از جایگاه و منزلت بالایی برخوردار بوده است. اعراب به سبب محیط جغرافیایی پیرامون خود، برای شعر و شاعری اهمیت بسیاری قائل می‌شدند و شعر جزئی از زندگی آنها بود؛ چراکه بادیه همیشه مهبط وحی شعر بود و احساس را رقیق می‌کرد و دل را صفا می‌بخشید. عرب‌ها شعر می‌خواندند و با آنها داستان‌سرایی می‌کردند.

اعراب در عصر جاهلی از انواع هنرها بی‌بهره بودند و بیشتر برای بیان احساسات خود از هنر گفتاری، یعنی شعر استفاده می‌کردند. شعر عرب بدوی تماماً رنگ و بوی بادیه و صحرا را در خود دارد و مضامینی چون مدح، رثاء، فخر، هجا، وصف و غزل در آن خودنمایی می‌کند (فخوری، ۱۳۷۷، ص۶۰ و فروخ، ۲۰۰۶، ج۱، ص۸۳).

شعر و شاعر در بادیه از مقامی رفیع برخوردار بود. آنها به شاعر به‌عنوان پیشوای قوم می‌نگریستند و در زمان جنگ و صلح، رأی او نافذترین نظر بود و پیوسته در هر امری از امور زندگی صحرایی با او مشورت می‌کردند و به رأی او جامه عمل می‌پوشانیدند (فخوری، ۱۳۷۷، ص۵۹).

ازآنجاکه شعر جاهلی، مولود بدویت، فطرت و بداهت است، از معانی دقیق و عمیق بهره‌ای نداشت و شاعر جاهلی بیشتر به محسوسات می‌پرداخت و در شعر او خبری از معنویات و مجردات نبود (ضیف، ۱۳۹۳، ص۲۱۳ و فخوری، ۱۳۷۷، ص۵۸).

با ظهور اسلام و آغاز دعوت پیامبرﷺ، تحولی عظیم در جامعه عربی روی داد که تمام شئون زندگی اجتماعی، فرهنگی، سیاسی و اقتصادی آنان را تحت تأثیر قرار داد. شعر عرب نیز از این قاعده مستثنی نبود. در صدر اسلام، شعر در خدمت دعوت پیامبرﷺ و تعالیم اسلامی و قرآنی قرار گرفت. با آغاز دعوت الهی پیامبرﷺ، آتش خصومت‌ها میان مشرکان قریش و حضرت شعله‌ور شد و تعدادی از شاعران مانند عبدالله‌بن‌زبعری، عمروبن‌عاص و ابوسفیان‌بن‌حارث، پیامبر و دعوت او را هدف هجوهای خود قرار دادند (فروخ، ۲۰۰۶، ج۱، ص۳۲۵). پیامبرﷺ نیز از شاعرانی همچون حسان‌بن‌ثابت، کعب‌بن‌مالک (همان، ص۲۸۳ و ۳۲۶)، کعب‌بن‌زهیر و دیگر شاعران انصار خواست که با شعر خود به دفاع در برابر قریشیان بپردازند (ضیف، ۱۳۹۳، ص۱۳۹).

۲. جعفربن‌ابی‌طالب علیه‌السلام از دیدگاه مورخان

جعفر بیست سال قبل از بعثت پیامبرﷺ، در طایفه بنی‌هاشم از قبیله قریش به دنیا آمد. پدر وی، ابوطالب، از بزرگان قریش و مادرش، فاطمه بنت اسد بود (اصفهانی، ۱۴۱۹، ص۲۶). جعفر به القابی نظیر طیار، ذوالجناحین (ابن‌عبدالبر، ۱۴۱۲، ج۱، ص۲۴۲ و ابن‌کثیر، بی‌تا، ج۴، ص۲۵۶) و ابوالمساکین شهرت داشت (ابن‌عنبه، ۱۴۱۷، ص۳۵ و ابن‌کثیر، بی‌تا، ج۴، ص۲۵۶). در مورد ایمان جعفربن‌ابی‌طالب علیه‌السلام اقوالی وجود دارد، اما حاصل جمع تمام این اقول، تقدم ایشان در

پذیرش اسلام است (ابن‌سعد، ۱۴۱۰، ج۴، ص۲۵ و ابن‌اثیر، ۱۴۰۹، ج۱، ص۳۴۱).

جعفربن‌ابی‌طالب علیه‌السلام از مرتبت و منزلت والایی برخوردار بود. از پیامبرﷺ روایت شده است که فرمود: مردم از درخت‌های مختلف خلق شده‌اند، اما من و جعفر مانند یک درخت هستیم و از یک گِل آفریده شدیم (اصفهانی، ۱۴۱۹، ص۳۴) و نیز در روایتی دیگر فرمود: جعفر! تو در چهره و اخلاق، شبیه من هستی (ابن‌کثیر، بی‌تا، ج۴ ص۲۵۶ و اصفهانی، ۱۴۱۹، ص۳۵). جعفر در طول حیات خود، دو هجرت به حبشه و مدینه داشت (ابن‌عبدالبر، ۱۴۱۲، ج۱ ص۲۴۲ و ابن‌عنبه، ۱۴۱۷، ص۳۵). در هجرت از مکه به حبشه، وی سرپرستی کاروان مهاجران را بر عهده داشت و در مدت حضور خود در حبشه توانست پادشاه آنجا را مسلمان کند (ابن‌عساکر، ۱۴۱۵، ج۴۵، ص۴۳۰).

پیامبرﷺ علاقه شدیدی به جعفر داشت؛ به‌طوری‌که وقتی جعفر، در حین فتح خیبر از حبشه بازگشت و با پیامبرﷺ ملاقات کرد، پیامبر او را در آغوش گرفت، میان دو چشم او را بوسید و فرمود: به خدا قسم! نمی‌دانم برای کدام‌یک خوشحال باشم؛ برای فتح خیبر یا دیدار با جعفر؟! (ابن‌عنبه، ۱۴۱۷، ص۳۵ و اصفهانی، ۱۴۱۹، ص۳۰).

بعد از بازگشت جعفر از حبشه، پیامبرﷺ در سال هشتم هجری (ابن‌عنبه، ۱۴۱۷، ص۳۵) وی را فرمانده جنگ موته قرار داد و جعفربن‌ابی‌طالب علیه‌السلام در همین جنگ به شهادت رسید. وی به همراه دیگر شهدا در منطقه‌ای به نام مزار در نزدیک موته به خاک سپرده شد. بنا بر روایتی، جعفربن‌ابی‌طالب علیه‌السلام، عبدالله‌بن‌رواحه و زیدبن‌حارثه در یک قبر دفن شدند (ابن‌عنبه، ۱۴۱۷، ص۳۶).

۳. معرفی حسّان‌بن‌ثابت انصاری

حسان‌بن‌ثابت، از بزرگ‌ترین شاعران قبل از ظهور اسلام و در آغاز دوره اسلامی و یمنی‌الاصل بود که چند سال قبل از تولد پیامبرﷺ در یثرب به دنیا آمد (بروکلمان، ۲۰۰۶، ج۱، ص۱۵۲ و فروخ، ۲۰۰۶، ج۱، ص۳۲۶). وی از قبیله خزرج و از طایفه بنی‌نجار بود و پدرش، ثابت و جدش، منذربن‌حرام از اشراف و بزرگان قوم خزرج به شمار می‌رفتند (جمحی، ۱۴۰۰، ج۱ ص۲۱۶). مادرش، فریعه، نیز از همان قبیله بود (ابن‌قتیبه، ۱۴۲۳، ج۱، ص۲۹۶ و عسقلانی، ۱۴۱۵، ج۲، ص۵۵).

حسان دارای دین یهودی بود، اما با ورود پیامبرﷺ به مدینه اسلام آورد (اصفهانی، ۱۴۱۵، ج۴، ص۳۵۳). درارتباط با سن او در زمان اسلام آوردن، اختلاف است. عده‌ای سن او را شصت

سال (ضیف، ۲۰۰۷، ج۲، ص۷۷) و برخی کمتر از این مقدار دانسته‌اند (عسقلانی، ۱۴۱۵، ج۲، ص۵۶). وی پیش از اسلام، به دربار غسانیان (حاکمان منطقه شام) و پادشاهان حیره (منطقه‌ای در عراق) رفت و آمد می‌کرد و با مدح آنان، از ایشان صله می‌گرفت و این رویه تا پایان عمرش ادامه داشت (ابن‌قتیبه، ۱۴۲۳، ج۱، ص۲۹۶ و بروکلمان، ۲۰۰۶، ج۱، ص۱۵۲).

حسان را برترین شاعر در میان شهرنشینان عرب دانسته‌اند و وی در تمامی دوران زندگی خود، چه قبل و چه بعد از اسلام، این برتری را حفظ کرد (بروکلمان، ۲۰۰۶، ج۱، ص۱۵۳). عده‌ای نیز قائلند شعر او در دوره اسلامی رو به افول نهاد (ابن‌قتیبه، ۱۴۲۳، ج۱، ص۳۰۵ و فروخ، ۲۰۰۶، ص۳۲۶).

حسان اشعار برجسته بسیاری دارد (جمحی، ۱۴۰۰، ج۱، ص۲۱۵) که از بهترین این اشعار در دوره جاهلی، مدح ملوک غسان است (فروخ، ۲۰۰۶، ج۱، ص۳۲۷). او همچنین با دفاع از پیامبرﷺ در دوره اسلامی، طلایه‌دار شعر سیاسی است. وی مدح خود در شعر را وقف رسول خداﷺ کرد و هجوهایش را دررابطه با مشرکین متعرض بر رسول خداﷺ به کار برد. شعر حسان در دوره اسلامی، سرشار از اخلاص، تعابیر اسلامی و اقتباس از قرآن بود. وی به دلیل استفاده از صنایع بدیع در مدح پیامبرﷺ، نخستین بدیعیه‌سرا به شمار می‌آید (فخوری، ۱۳۷۷، ص۲۳۵ و فروخ، ۲۰۰۶، ج۱، ص۳۲۶). اشعار حسان به دلیل اشاره به حوادث تاریخی و سیره و غزوه‌های پیامبرﷺ، حائز اهمیت است و از مآخذ موثق تاریخ صدر اسلام به حساب می‌آید (فخوری، ۱۳۷۷، ص۲۳۹). وی در سال ۵۴ق در عصر معاویه از دنیا رفت (ابن‌قتیبه، ۱۴۲۳، ج۱، ص۲۹۵ و عسقلانی، ۱۴۱۵، ج۲، ص۵۶).

۴. مرثیه حسان‌بن‌ثابت در سوگ جعفربن‌ابی‌طالب علیه‌السلام

ازجمله اشعار برجای‌مانده از حسان، مرثیه‌های متعدد او در وصف برخی از بزرگان است؛ مانند نافع‌بن‌بدیع (انصاری، ۱۹۷۴، ج۲، ص۱۷۶)، ابوبکر بن قحافه (همان، ج۱، ص۱۲۵) و حمزه سیدالشهداء (همان، ص۵۰۴). وی یکی از این مرثیه‌های نسبتاً طولانی را در سوگ جعفربن‌ابی‌طالب علیه‌السلام سروده است. از حسان‌بن‌ثابت دو مرثیه در عزای جعفر برجای مانده که در منابعی مانند السیرة النبویه ابن‌هشام، تاریخ مدینه دمشق ابن‌عساکر و دیوان حسان‌بن‌ثابت ذکر شده است. انتساب مرثیه موردبحث به حسان، مشخص و ثابت است؛ زیرا در منابع متعددی که پیش از این نام برده شد آمده است. علاوه بر اینکه ولید عرفات، محقق و جمع‌آوری‌کننده

این اشعار، نسخ متعدد تاریخی را با یکدیگر مقایسه نموده و به تک‌تک اختلافات موجود در نسخه‌های گوناگون اشاره کرده است. وی پس از بیان ابیات موردنظر، منابع مورد استفاده برای استخراج این مرثیه را همراه با ذکر جلد و صفحه آورده است (انصاری، ۱۹۷۴، ص۱۰۰).

این مرثیه، علاوه بر عبارات بلیغ و تأثیرگذار، بسیار پرمحتواست (ابن‌ابی‌الحدید، بی‌تا، ج۱۵، ص۶۲ـ۶۳ و انصاری، ۱۹۷۴، ص۱۰۰):

تأوبني ليل بيثرب أعسر — و هم إذا ما نوم الناس مسهر
لذكرى حبيب هيجت لي عبرة — سفوحا و أسباب البكاء التذكر
بلى ان فقدان الحبيب بلية — وكم من كريم يبتلى ثم يصبر
فلا يبعدن الله قتلى تتابعوا — بمؤتة منهم ذوالجناحين جعفر
و زيد و عبدالله حين تتابعوا — جميعا و أسياف المنية تخطر
رأيت خيار المؤمنين تواردوا — شعوب و خلق بعدهم يتأخر
غداة غدوا بالمؤمنين يقودهم — إلى الموت ميمون النقيبة أزهر
أغر كضوء البدر من آل‌هاشم — أبي إذا سيم الظلامة أصعر
فطاعن حتى مال غير موسد — بمعترك فيه القنا متكسر
فصار مع المستشهدين ثوابه — جنان و ملتف الحدائق أخضر
وكنا نرى في جعفر من محمد — وقارا وأمرا حازما حين يأمر
وما زال في الإسلام من آل‌هاشم — دعائم صدق لا ترام و مفخر
هم جبل الإسلام والناس حولهم — رضام إلى طور يطول و يقهر
بهاليل منهم جعفر و ابن‌أمه — علي و منهم أحمد المتخير
وحمزة والعباس منهم ومنهم — عقيل وماء العود من حيث يعصر
بهم تفرج الغماء من كل مأزق — عماس إذا ما ضاق بالناس مصدر
هم أولياء الله أنزل حكمه — عليهم وفيهم والكتاب المطهر[1]

۱. شب یثرب بار دیگر سایه سنگینش را گسترانیده و غم، خواب از چشمان ربوده بود.
یاد آن حبیب، گریه‌ای سیل‌آسا به دنبال دارد؛ چراکه یاد عزیزان، از اسباب گریستن است.
آری از دست دادن عزیز، آزمونی بس سخت است و چه بسیارند جوانمردانی که مصیبت دیده و صبوری پیشه کردند.

۵. تبلور مرثیه حسان در مصادیق تاریخی

صرف‌نظر از اهمیت و جایگاه ویژه اشعار قدیم در میان مردم آن دوره و نیز میزان تأثیر این اشعار بر زنده نگهداشتن یاد و خاطرات افراد، بدون شک بسیاری از این ابیات برجای‌مانده، برگرفته از واقعیت‌های تاریخی است. نگارنده کاوش مختصری در محتوای ابیات مرثیه حسان‌بن‌ثابت انجام داده و تلاش کرده است ابیات را بر مصادیق تاریخی منطبق سازد. برخی از این موارد، عبارت‌اند از:

۵ـ۱. شجاعت و دلاوری

حسان‌بن‌ثابت پس از بیان میزان حزن و اندوه بر جعفر و سایر مردم شهر مدینه، به توصیف این شخصیت و نحوه حضورش در غزوه موته و شهادت وی می‌پردازد:

«از درگاه رحمت الهی دور مباد، مردانی که در سرزمین موته، پی‌درپی کشته بر زمین افتاده‌اند؛ جعفر ذوالجناحین، زید و عبدالله (بن‌رواحه) در آنجایی که با مرگ فاصله‌ای نبود * نیکان مومن را دیدم که چگونه گام در میدان می‌گذارند درحالی‌که دیگران چند قدم از آنان عقب‌ترند * مؤمنانی که مردی مبارک و خوش‌سیما آنان را به‌سوی مرگ فرماندهی می‌کرد *

از درگاه رحمت الهی دور مباد، مردانی که در سرزمین موته، پی‌درپی کشته بر زمین افتاده‌اند؛ جعفر ذوالجناحین، زید و عبدالله (بن‌رواحه) در آنجایی که با مرگ فاصله‌ای نبود.

نیکان مؤمن را دیدم که چگونه گام در میدان می‌گذارند درحالی‌که دیگران چند قدم از آنان عقب‌ترند.

مؤمنینی که مردی مبارک و خوش‌سیما آنان را به‌سوی مرگ فرماندهی می‌کرد.

فرمانده‌ای از بنی‌هاشم، خوش‌سیما مانند ماه، دلاوری جوانمرد در هنگامه رویارویی با ظلم.

او در میدان شجاعانه جنگید و پس از جنگ بسیار بر زمین افتاد.

با این اتفاق، وی به خیل شهیدان پیوست و باغ‌های سرسبز، پاداش وی گردید.

ما همواره در جعفر، وقار، متانت و قاطعیت پیامبر را در فرماندهی مشاهده می‌کردیم.

همچنان از میان بنی‌هاشم، ستون‌های محکمی پابرجاست، ستون‌های تغییرنیافتنی و دلیلی است برای فخرفروشی.

اینان در دین اسلام، همانند کوهند و دیگر مردمان، سنگریزه‌های کوهپایه‌اند که هرگز با یکدیگر قابل‌مقایسه نیستند.

خنده‌رویانی (از بنی‌هاشم) مانند جعفر و برادرش، علی، و احمد برگزیده؛ و حمزه، عباس و عقیل، همگان از یک سرچشمه خوش‌بو منشأ می‌گیرند.

به‌وسیله آنان غم و اندوه‌ها از بین می‌رود، و در تنگناهای تیره و تار، فریادرس مردمانند.

به قرآن سوگند! اینان اولیاءالله هستند، حکمت را بر آنان و در میان آنها نازل نموده است.

فرمانده‌ای از بنی‌هاشم، خوش‌سیما مانند ماه، دلاوری جوانمرد در هنگامه رویارویی با ظلم.»[1]

وی در ابیات بعدی می‌گوید:

«او در میدان، شجاعانه جنگید و پس جنگ بسیار، بر زمین افتاد * و به خیل شهیدان پیوست و باغ‌های سرسبز، پاداش وی گردید.»[2]

حسان برای به نمایش گذاشتن توانمندی جعفربن‌ابی‌طالب علیه‌السلام در میانه میدان جنگ و شجاعت او، به نحوه حضورش اشاره می‌کند که کاملاً با نقل‌های تاریخی منطبق است؛ مانند این نقل ابن‌عساکر که آورده است: زمانی که جعفر پرچم را به دست گرفت و درحالی‌که آماده جنگیدن شده بود گفت: اکنون زمانی است که ایمان در قلوب مؤمنین محکم می‌شود، آیا میل به دنیا پیدا کنم؟ پس پای اسبش را پی کرد و به‌سوی جنگ رفت و آنقدر جنگید و کشت، تا به شهادت رسید (ابن‌عساکر، ۱۴۱۵، ج۷۲، ص۱۳۲). ابن‌سعد نیز در طبقات آورده است که جعفربن‌ابی‌طالب علیه‌السلام بیش از نود زخم بر بدنش بوده که همه از پیش بوده (کنایه از اینکه پشت به جنگ نبوده) است (ابن‌سعد، ۱۴۱۰، ج۴، ص۲۸). بلاذری و ابن‌عبدالبر نیز نقل‌های مشابهی درباره جعفر و استقامت وی در میدان جنگ نقل کرده‌اند (بلاذری، ۱۹۸۸، ج۱، ص۳۸۰ و ابن‌عبدالبر، ۱۴۱۲، ج۱، ص۲۴۴).

حسان در این ابیات، علاوه بر دلاوری جعفر، فرمانده اول بودن او را نیز به اثبات رسانده است. مسئله تقدم جعفر در فرماندهی بر زیدبن‌حارثه یا برعکس، از مسائل اختلافی غزوه موته است؛ چراکه برخی زید را فرمانده اول می‌دانند (ابن‌سعد، ۱۴۱۰، ج۴، ص۲۸؛ ابن‌هشام، بی‌تا، ج۲، ص۳۷۳ و بلاذری، ۱۹۸۸، ج۱، ص۳۸۰) و برخی دیگر جعفر را اولین فرمانده در این جنگ معرفی کردند (یعقوبی، بی‌تا، ج۲، ص۶۵ و اصفهانی، ۱۴۱۹، ص۲۹). شوشتری با ذکر این اختلاف‌نظر معتقد است ابیات کعب‌بن‌مالک و حسان‌بن‌ثابت در این باره می‌توانند بهترین داوری را داشته باشند؛ زیرا آن دو، شاهد قضیه بودند (شوشتری، ۱۴۱۰، ج۲، ص۶۰۴).

۱. فلا یبعدن الله قتلی تتابعوا بمؤتة منهم ذوالجناحین جعفر
و زید و عبدالله حین تتابعوا جمیعاً و أسیاف المنیة تخطر
رأیت خیار المؤمنین تواردوا شعوب و خلق بعدهم یتأخر
غداة غدوا بالمؤمنین یقودهم إلی الموت میمون النقیبة أزهر

۲. فطاعن حتی مال غیر موسد بمعترك فیه القنا متکسر
فصار مع المستشهدین ثوابه جنان و ملتف الحدائق أخضر

۵ـ۲. سجایای اخلاقی جعفربن‌ابی‌طالب علیه‌السلام

حسان‌بن‌ثابت در ادامه، به جایگاه بلند جعفر ازنظر خُلقی و رفتاری، مانند استقامت، ظلم‌ستیزی و شجاعت اشاره می‌کند؛ آنجا که می‌سراید:

«نیکان مؤمن را دیدم که چگونه گام در میدان می‌گذارند درحالی‌که دیگران چند قدم از آنان عقب‌ترند * مؤمنانی که مردی مبارک و خوش‌سیما آنان را به‌سوی مرگ فرماندهی می‌کرد * فرمانده‌ای از بنی‌هاشم، خوش‌سیما مانند ماه * دلاوری جوانمرد در هنگامه رویارویی با ظلم.»*

«او شجاعانه در میدان جنگید و پس از جنگ بسیار بر زمین افتاد.»[1]

سخنان حسان در این باره صرفاً برای ثنا و مدح گفته نشده؛ بلکه امری است واقعی که نقل‌های تاریخی، آن را به اثبات می‌رساند. ابونعیم در معرفی او گفته است: جناب جعفر دارای سجایای اخلاقی بسیار عالی بود. ایشان مردی خطیب، سخاوتمند، شجاع و عارف بود (ابونعیم، بی‌تا، ج۱، ص۱۱۴). ذهبی نیز در ماجرای هجرت به حبشه می‌گوید: جعفر توانست با صلابت و توانایی، دین خود را به نجاشی معرفی، و حقانیت آن را ثابت کند و همین امر موجب مسلمان شدن نجاشی شد (ذهبی، ۱۴۱۴، ج۱، ص۲۰۷).

در بحث شجاعت، علاوه بر مطالبی که پیش‌ازاین بدان اشاره شد، می‌توان شجاعت جعفر را در فرماندهی او در جنگ موته به‌وضوح دید. وی باوجود تعداد زیاد سپاهیان دشمن، آن زمان که سپاهیان اسلام، از ترس شکست قصد عقب‌نشینی داشتند، پرچم را به دست می‌گیرد و شجاعانه می‌جنگد تا اینکه به شهادت می‌رسد و شاید خداوند به پشتوانه همین شجاعت و دلیری و به پاس قدردانی از دلاوری‌هایش «دو بال» در بهشت به او عطا می‌کند (واقدی، ۱۴۰۹، ج۲، ص۷۶۱).

از دیگر صفات جعفربن‌ابی‌طالب علیه‌السلام، کمالات اخلاقی و دوری از رفتارهای ناپسند جاهلی، حتی قبل از اسلام است. وی با آنکه در جاهلیت می‌زیست، اما از روش اخلاقی آنان برکنار بود و از منکراتی که آنها مرتکب می‌شدند خودداری می‌ورزید؛ ازجمله اینکه دروغ

۱. رأیت خیار المؤمنین تواردوا — شعوب و خلق بعدهم یتأخر
غداة غدوا بالمؤمنین یقودهم — إلی الموت میمون النقیبة أزهر
أغر کضوء البدر من آل هاشم — أبي إذا سیم الظلامة أصعر
فطاعن حتی مال غیر موسد — بمعترك فیه القنا متکسر

نمی‌گفت، شرب خمر نمی‌کرد، اهل زنا نبود و بت‌ها را نمی‌پرستید (شوشتری، ۱۴۱۰، ج۲، ص۶۰۲).

در میان همه صفات برجسته و کمالات نفسانی جعفر، سخاوت در او از همه بیشتر نمود داشت؛ چراکه هر زمان کسی از او سؤالی می‌پرسید، جعفر پاسخی نمی‌داد مگر اینکه او را به منزل خود می‌برد و از همسرش، اسماء، درخواست طعامی می‌کرد و بعد از خوردن طعام، پرسش وی را پاسخ می‌داد (ابن‌عساکر، ۱۴۱۵، ج۷۲، ص۱۳۰ و امین، ۱۴۰۳، ج۴، ص۱۲۰). همچنین جناب جعفر به دلیل کمک‌های بی‌دریغ به مستمندان، به «ابا المساکین» مشهور بود (ابونعیم، بی‌تا، ج۱، ص۱۱۴) و حتی در منابع آمده است که پیغمبرﷺ او را ابا المساکین نامید (ابن‌اثیر، ۱۴۰۹، ج۱، ص۳۴۲).

۵ـ۳. شباهت با پیامبرﷺ

حسان سپس به شباهت جعفربن‌ابی‌طالب علیه‌السلام به پیامبرﷺ می‌پردازد. شباهت در رفتار و در ظاهر، که مورد اذعان اغلب مورخین و اهل حدیث بوده است (ابن‌سعد، ۱۴۱۰، ج۴، ص۲۶ـ۲۷ و ابوحنیفه، بی‌تا، ج۳، ص۵۴۸) تا جایی که ابن‌سعد، جعفربن‌ابی‌طالب علیه‌السلام را در رعایت آداب شخصی، برترین شخص بعد از رسول‌اللهﷺ معرفی کرده و آورده است: جعفربن‌ابی‌طالب علیه‌السلام در نحوه پوشش و ظاهر خویش، مانند پوشیدن لباس مجلسی و یا عمامه گذاشتن و انتخاب مرکب، بعد از رسول‌اللهﷺ برترین شخص بود (ابن‌سعد، ۱۴۱۰، ج۴، ص۳۱). سیدمحسن امین نیز در معرفی جعفربن‌ابی‌طالب علیه‌السلام آورده است که جعفر، شبیه‌ترین مردم ازنظر چهره و اخلاق به رسول خداﷺ بود؛ به‌گونه‌ای که روزی مردی جعفر را دید و گمان کرد که رسول خداﷺ است، پس با عبارت «السلام علیک یا رسول‌الله» سلام کرد. جعفر در جواب او گفت: من رسول خدا نیستم؛ بلکه من جعفرم (امین، ۱۴۰۳، ج۴، ص۱۲۵).

«ما همواره در جعفر، وقار، متانت و قاطعیت پیامبرﷺ را در فرماندهی مشاهده می‌کردیم.»[۱]

حسان در اینجا به دو صفت متانت و قاطعیت در هنگام فرماندهی اشاره می‌کند؛ هرچند در ابیات دیگر، به رنگ چهره سرخ و سفید و خنده‌رو بودن جعفر اشاره کرده است که با اخبار تاریخی نقل‌شده در مورد رسول خداﷺ کاملاً مطابقت دارد. ترمذی در کتاب خویش آورده است: احدی را ندیدم که بیشتر از رسول خداﷺ تبسم کند (ترمذی، بی‌تا، ج۱، ص۱۳۶). وی در جای

۱. نری في جعفر من محمد وقارا و أمرا حازما حین یأمر

دیگر به نقل از جریربن‌عبدالله آورده است: از زمانی که اسلام آوردم، رسول خدا ﷺ را ندیدم مگر اینکه به روی من خندید (همان، ص۱۳۷). اما بیهقی در مورد رنگ پوست حضرت نقل می‌کند: رنگ آن قسمت از پوست بدن حضرت که در معرض تابش خورشید و باد و هوا قرار داشت، مایل به سرخی بود، اما آن قسمت از بدن که در زیر لباس ایشان مستور بود، سفید درخشان بود. در کل، پوست ایشان سفید مایل به سرخ بوده است (بیهقی، ۱۴۰۵، ج۱، ص۲۰۶ و ذهبی، ۱۴۱۴، ج۲، ص۱۲).

نمونه بارز قاطعیت رسول خدا ﷺ در ماجرای غزوه احد (بیهقی، ۱۴۰۵، ج۳، ص۲۰۷ـ۲۰۸) و غزوه حنین (یعقوبی، بی‌تا، ج۲، ص۶۲ـ۶۳ و واقدی، ۱۴۰۹، ج۳، ص۹۰۰) و دیگر حوادث تاریخی را می‌توان به‌روشنی دید، اما قاطعیت جعفربن‌ابی‌طالب ؑ در همان یک جنگی که به‌عنوان فرمانده انتخاب شد و پایداری او در میانه میدان آشکار می‌شود. بنا بر نقل ابن‌عساکر، زمانی که جعفر پرچم را به دست گرفت، چیزی مانع وی نبود. پس به‌سوی جنگ رفت و آنقدر جنگید و کشت تا به شهادت رسید (ابن‌عساکر، ۱۴۱۵، ج۷۲، ص۱۳۲).

۵ـ۴. جایگاه بنی‌هاشم در میان قریش

ابیات پایانی این مرثیه، به یکی از امتیازات مهم جعفر اشاره می‌کند و آن، هاشمی بودن اوست:

«همچنان از میان بنی‌هاشم، ستون‌های محکمی پابرجاست؛ ستون‌های تغییرنیافتنی و دلیلی است برای فخرفروشی * اینان در دین اسلام همانند کوهند و دیگر مردمان، سنگریزه‌های کوهپایه‌اند که هرگز با یکدیگر قابل‌مقایسه نیستند * خنده‌رویانی (از بنی‌هاشم) مانند جعفر و برادرش، علی و احمد برگزیده * و حمزه، عباس و عقیل، همگان از یک سرچشمه خوشبو منشأ می‌گیرند * به‌وسیله آنان، غم و اندوه‌ها از بین می‌رود، و در تنگناهای تیره و تار، فریادرس مردمانند * به قرآن سوگند! اینان اولیاء الله هستند، حکمت را بر آنان و در میان آنها نازل نموده است.»[1]

۱. و ما زال في الإسلام من آل هاشم دعائم صدق لا ترام و مفخر
هم جبل الإسلام و الناس حولهم رضام إلى طور يطول و يقهر
بهاليل منهم جعفر و ابن أمه علي و منهم أحمد المتخير
و حمزة و العباس منهم و منهم عقيل و ماء العود من حيث يعصر
بهم تفرج الغماء من كل مأزق عماس إذا ما ضاق بالناس مصدر
هم أولياء الله أنزل حكمه عليهم و فيهم و الكتاب المطهر

بنی‌هاشم، تیره‌ای از قبیله قریش و منسوب به هاشم بن عبدمناف بن قصی بن کلاب، نیای دوم پیامبر اکرم ﷺ هستند (طبری، بی‌تا، ج۲، ص۲۵۲) و به همین جهت، به اهل‌بیت پیامبر ﷺ، بنی‌هاشم گفته می‌شود.

هاشم از پدرش دو منصب سقایت و رفادت (میزبانی حاجیان) را به ارث برد (ابن‌سعد، ۱۴۱۰، ج۱، ص۶۳ و طبری، بی‌تا، ج۲، ص۲۵۷). او همچنین با حفر دو چاه سجله و بذر، در راستای منصب سقایت تلاش کرد تا در امر آب‌رسانی به حج‌گزاران تسهیلاتی ایجاد کند (حموی، ۱۹۹۵، ج۳، ص۱۹۳ و ج۱، ص۳۶۱؛ بلاذری، ۱۹۸۸، ج۱، ص۵۷ و ازرقی، ۱۴۱۶، ج۱، ص۱۱۳).

هاشم در زمینه بازرگانی نیز توانست اولین کسی باشد که برای قریش، ایلاف و پیمان‌نامه بگیرد (بغدادی، ۱۴۰۵، ص۴۲). براین‌اساس و با انعقاد پیمان‌های بازرگانی با شام و قبایلی که در مسیر کاروان‌های تجاری بودند، سفرهای تجاری قریش، به دو سفر تابستانی به‌سوی شام و زمستانی به‌سوی یمن و حبشه تقسیم شد (یعقوبی، بی‌تا، ج۱، ص۲۴۲ و ابن‌سعد، ۱۴۱۰، ج۱، ص۶۲). شاید در اثر همین ارتباط بود که هاشم توانست در سال قحطی مکه که قریش دچار گرسنگی شده بودند، با تهیه آرد و نان از شام (ابن‌سعد، ۱۴۱۰، ج۱، ص۶۲) و درآمیختن آن با گوشت شتر و تهیه ترید و اطعام آن به مکیان، لقب هاشم (تهیه‌کننده ترید) را برای خود به جا گذارد (ابن‌سعد، ۱۴۱۰، ج۱، ص۶۲ و مقدسی، بی‌تا، ج۴، ص۱۱۱). در این میان، ماندگارترین و مؤثرترین نسل وی، از شیبه الحمد (عبدالمطلب) است که با ورود به مکه، به عبدالمطلب (طبری، بی‌تا، ج۲، ص۲۴۶ـ۲۴۸) مشهور شده بود. با رحلت عمویش، مطّلب، مناصب سقایت و رفادت به عبدالمطلب سپرده شد و او توانست بهتر از هر زمانی آن را اداره کند (ابن‌خلدون، ۱۴۰۸، ج۲، ص۴۰۸).

ازجمله اقدامات عبدالمطلب که در راستای منصب سقایت صورت گرفت، حفر چاه زمزم بود که از اهمیت بسیاری برای حجاج برخوردار بود؛ زیرا به آنها این امکان را می‌داد که پس از سال‌ها، از چاه اسماعیل آب بنوشند. از همین روست که بنی‌هاشم بر سایر قریش فخر می‌فروختند و سقایت از این چاه را افتخاری بزرگ تلقی می‌کردند (ابن‌هشام، بی‌تا، ج۱، ص۱۵۰). موقعیت عبدالمطلب در نزد قریش و حج‌گزاران، در پی هجوم سپاه ابرهه به مکه فزونی یافت؛ زیرا او به‌عنوان نماینده مکیان در نزد ابرهه حاضر شد. برخورد عبدالمطب با ابرهه و سپس هدایت مکیان به کوه‌های اطراف و حفظ جان آنها از گزند سپاه ابرهه باعث شد که قریشیان

به وی لقب «ابراهیم ثانی» بدهند (یعقوبی، بی‌تا، ج۲، ص۱۱).

آنچه به‌اختصار بیان شد تاریخچه‌ای از موقعیت ویژه بنی‌هاشم در روزگار جاهلیت بود و صد البته با بعثت پیامبرﷺ و انتخاب آخرین نبی از این خاندان، جایگاه و موقعیت بالاتری یافتند (جواد علی، بی‌تا، ج۲، ص۱۲۱). جدا از موقعیت‌های سیاسی و اجتماعی این خاندان، صفات نیکو و فضایل اخلاقی بنی‌هاشم، زبانزد اعراب بود. سخاوت (ابن‌سعد، ۱۴۱۰، ج۱، ص۶۲)، شجاعت (اصفهانی، ۱۴۱۹، ص۵۱ و سماوی، ۱۴۱۹، ص۴۹) و حمایت از مظلوم (جواد علی، بی‌تا، ج۱۵، ص۱۱۷)، ازجمله صفات بارز بنی‌هاشم بوده است.

عبارت‌های به‌کاررفته حسان‌بن‌ثابت درباره بنی‌هاشم، هرکدام در جای خود قابل‌تأمل است؛ آنجا که شخصیت‌هایی را نام می‌برد و با عنوان ستون‌های محکم و تغییرناپذیر از آنها یاد می‌کند، یا آنجا که بنی‌هاشم را به قله کوه تشبیه می‌نماید و دیگر مردمان را به سنگریزه‌های دامنه کوه!! و..[1]

نتیجه‌گیری

شعر یکی از ارکان مهم حیات اعراب و یکی ابزار ثبت و ماندگارسازی حوادث به شمار می‌رود. عرب شبه‌جزیره، چه در زمان جاهلیت و چه بعد از آغاز عصر نبوت، به شعر و شاعری به‌عنوان جزئی لاینفک از حیات خویش می‌نگریست. شاعران زیادی با پذیرش دین مبین اسلام، از این ابزار آهنگین برای تبیین و حفظ ارزش‌ها استفاده کرده‌اند. یکی از انواع شعر رایج در میان عرب‌های آن زمان، «مرثیه» است که نوعی مدح در یادمان شخص وفات‌یافته به شمار می‌رود. حسان‌بن‌ثابت، یکی از شعرای صاحب‌نامی است که هم عصر جاهلیت را درک کرده است و هم دوران بعثت را. وی اشعار متعددی در حوادث مختلف تاریخی از خود برجای نهاد. برخی از این اشعار، در رثای شخصیت‌های طراز اول تاریخ اسلام سروده شده‌اند که ازجمله آنها، مرثیه‌ای است در سوگ جعفربن‌ابی‌طالب علیه‌السلام. حسان در این چکامه ابتدا به بیان میزان حزن و اندوه خویش و دیگر مسلمانان در فقدان این شخصیت صاحب‌نام پرداخت که علاوه بر انتسابش به خاندان نبوت، دارای فضائل

۱. و ما زال في الإسلام من آل هاشم دعائم صدق لا ترام و مفخر
هم جبل الإسلام و الناس حولهم رضام إلى طور يطول و يقهر

بی‌شمار بود. وی سپس صفات جعفر، نحوه حضور در جنگ و شجاعت او، شباهتش به رسول خدا ﷺ و موقعیت ویژه بنی‌هاشم را بیان کرده است. در این مقاله تلاش شده است با یافتن مصادیق تاریخی، محتوای اشعار به‌کاررفته، اثبات یا در صورت عدم تطابق، ردّ شوند؛ چراکه در نگاه اولیه ممکن است این اشعار صرفاً نوعی تمجید و مدح تلقی شود، اما هنگامی که این عبارات با مصادیق تاریخی، تطبیق داده شوند، دارای اهمیتی دوچندان خواهند بود.

فهرست منابع

۱. ابن‌ابی‌الحدید، عبدالحمیدبن‌هبه‌الله، بی‌تا، شرح نهج البلاغه، تحقیق: محمد ابراهیم ابوالفضل، قم: کتابخانه آیت‌الله مرعشی نجفی.
۲. ابن‌اثیر علی‌بن‌محمد، ۱۴۰۹ق، اسد الغابه فی معرفه الصحابه، بیروت: دار الفکر.
۳. ابن‌خلدون، عبدالرحمن‌بن‌محمد، ۱۴۰۸ق، تاریخ ابن خلدون، تصحیح: سهیل زکار و خلیل شحاده، بیروت: دار الفکر.
۴. ابن‌سعد، محمد، ۱۴۱۰ق، طبقات الکبری، تحقیق: عطا محمد عبدالقادر، بیروت: دار الکتب العلمیه.
۵. ابن‌عبدالبر، یوسف‌بن‌عبدالله، ۱۴۱۲ق، الاستیعاب، تحقیق: علی محمد بجاوی، بیروت: دار الجیل.
۶. ابن‌عساکر، علی‌بن‌حسن، ۱۴۱۵ق، تاریخ مدینة دمشق، تحقیق: علی شیری، بیروت: دار الفکر.
۷. ابن‌عنبه، احمدبن‌علی، ۱۴۱۷ق، عمدة الطالب فی انساب آل ابی طالب، قم: مؤسسه انصاریان.
۸. ابن‌قتیبه، عبدالله‌بن‌مسلم، ۱۴۲۳ق، الشعر و الشعراء، تحقیق: احمد محمد شاکر، قاهره: دار الحدیث.
۹. ابن‌کثیر، اسماعیل‌بن‌عمر، بی‌تا، البدایة والنهایة، گردآوری: خلیل شحاده، بیروت: دار الفکر.
۱۰. ابن‌هشام، عبدالملک‌بن‌هشام، بی‌تا، السیرة النبویة، تحقیق: ابراهیم ابیاری و مصطفی سقا، بیروت: دار المعرفه.
۱۱. ابوحنیفه نعمان‌بن‌محمد، بی‌تا، شرح الأخبار في فضائل الأئمة الأطهار علیهم‌السلام، قم: دفتر انتشارات اسلامی وابسته به جامعه مدرسین حوزه علمیه قم.
۱۲. ابونعیم، احمدبن‌عبدالله، بی‌تا، حلیة الاولیاء و طبقات الاصفیاء، گردآوری: کمال یوسف حوت، قاهره: دار ام‌القری.
۱۳. ازرقی، محمدبن‌عبدالله، ۱۴۱۶ق، اخبار مکه، تحقیق: رشدی صالح ملحس، بیروت: دار الاندلس.
۱۴. اصفهانی، علی‌بن‌حسین، ۱۴۱۵ق، الاغانی، بیروت: دار احیاء العربی
۱۵. ــــــــ، ۱۴۱۹ق، مقاتل الطالبیین، تحقیق و شرح: صقر احمد، بیروت: مؤسسه الاعلمی للمطبوعات.
۱۶. امین، سیدمحسن، ۱۴۰۳ق، اعیان الشیعه، تحقیق: حسن امین، بیروت: دار التعارف للمطبوعات.
۱۷. انصاری، حسان‌بن‌ثابت، ۱۹۷۴م، دیوان حسان‌بن‌ثابت انصاری، تصحیح: ولید عرفات، بیروت: دار صادر.
۱۸. بروکلمان، کارل، ۲۰۰۶م، تاریخ الادب العربی، ترجمه: عبدالحمید نجار، قم: دار الکتب الاسلامی.
۱۹. بغدادی، محمدبن‌حبیب، ۱۴۰۵ق، المنمق فی اخبار قریش، تصحیح: خورشید احمد فاروق، بیروت: عالم الکتب.
۲۰. بلاذری، احمدبن‌یحیی، ۱۹۸۸م، فتوح البلدان، بیروت: دار و مکتبة الهلال.
۲۱. بیهقی، احمدبن‌حسین، ۱۴۰۵ق، دلائل النبوه، تحقیق: عبدالمعطی امین قلعجی، بیروت: دار الکتب العلمیه.
۲۲. ترمذی، ابوعیسی، بی‌تا، الشمائل المحمدیه، بیروت: احیاء التراث.
۲۳. جمحی، محمدبن‌سلام، ۱۴۰۰ق، طبقات فحول الشعراء، شرح: محمود محمد شاکر، جده: دار المدنی.
۲۴. جواد علی، بی‌تا، المفصل فی تاریخ العرب قبل الاسلام، بی‌جا: بی‌نا.

۲۵. حموی، یاقوت‌بن‌عبدالله، ۱۹۹۵م، معجم البلدان، بیروت: دار صادر.
۲۶. ذهبی، محمدبن‌احمد، ۱۴۱۴ق، سیر اعلام النبلاء، تحقیق: حسین سلیم و دیگران، بیروت: مؤسسه الرساله.
۲۷. سماوی محمدبن‌طاهر، ۱۴۱۹ق، ابصار العین، تحقیق: محمّدجعفر طبسی، قم: انتشارات مرکز الدراسات الإسلامیة لحرس الثورة.
۲۸. شوشتری، محمدتقی، ۱۴۱۰ق، قاموس الرجال، قم: دفتر انتشارات اسلامی وابسته به جامعه مدرسین حوزه علمیه قم.
۲۹. ضیف، شوقی، ۱۳۹۳ش، تاریخ ادبی عربی؛ عصر جاهلی، ترجمه: علیرضا ذکاوتی قراگزلو، تهران: امیر کبیر.
۳۰. ــــــــــ، ۲۰۰۷م، تاریخ الادب العربی؛ عصر اسلامی، قاهره: دار المعارف.
۳۱. طبری، محمدبن‌جریر، بی‌تا، تاریخ الامم و الملوک، تحقیق: محمد ابوالفضل ابراهیم، بیروت: بی‌نا.
۳۲. عسقلانی، احمدبن‌علی، ۱۴۱۵ق، الاصابة فی تمییز الصحابة، تحقیق: علی محمد معوض و عادل احمد عبدالموجود، بیروت: دار الکتب العلمیه.
۳۳. فخوری، حنا، ۱۳۷۷ش، تاریخ الادب العربی، تهران: توس.
۳۴. فروخ، عمر، ۲۰۰۶م، تاریخ الادب العربی، بیروت: دار العلم للملایین.
۳۵. مقدسی، مطهربن‌طاهر، بی‌تا، البدء و التاریخ، قاهره: مکتبة الثقافة الدینیه.
۳۶. واقدی، محمدبن‌عمر، ۱۴۰۹ق، المغازی، تحقیق: مارسدن جونز، بیروت: مؤسسه الاعلمی للمطبوعات.
۳۷. یعقوبی، احمدبن‌اسحاق، بی‌تا، تاریخ یعقوبی، بیروت: دار صادر.